

خنیانران طلوع

اشعار و ترجمه شاعران معاصر ایران

مترجم : محمود شیربازو

ویراستار : امیر علی سیاسی

با مقدمه ای از استاد علیرضا پور امید

The Reciters of Dawn

Poems & Translations of Iran's Contemporary Poets

Translator: Mahmood Shirbazoo

Editor: Amir Ali Siassi

Introduction by: Alireza Pouromid

شاعر : قاسم بغلانی

مترجم : محمود شیربازو

آغشته به مه بود درخت

لبم به تو

به سکوتی که در دهان کاشتم

شقیقه ام از ذهنم چیزی نمیداند

اثری بر جا بگذار

شقیقه ام و کف دستانت!

The tree of my lips was stained with your fog

To the silence that I planted in my mouth

My temple knows nothing of my mind

Leave a mark

My temple in your palms

شاعر : شاعر شیما ادیبی سده

مترجم : محمود شیربازو

درنگاهت حبس شده ام

تتم از حرفهایت پر است

مرا لبریز کن

از دوستت دارم

بگذار گوشه‌هایم

انگشت به دهان بمانند

I am imprisoned in your sight

I am filled with your lovely words

Let me be filled up with your love

Let my ears be amazed by your words

شاعر : رویا ابراهیمی

مترجم : محمود شیربازو

کاش خورشید

آسمان دلم امشب کمی بارانیست

نگاهت بزند بر دل ما

ثانیه های سکوت بغض فریاد قاصدکهای غم را از گوشه ی

آسمان می تکاند روی احساس پنجره

خانه ی خاطره ها

غبار غم نشسته بر دیوار دل

سایه ی خیال نگاه مست تو را به مهتاب آرزوها می سپارد

The sky of my heart is a little rainy tonight

Hope the sun of your attention keeps shining

The seconds of silence shake the

screams of the sad dandelions

onto the window's emotions!

The sad dust on the wall of my heart

The house of your wishes

The shadow of speculation delivered
your drunk loving gaze to the moon!

شاعر : زهرا حمیدیان

مترجم : محمود شیربازو

تار و پود بی‌جانی که از تو می‌خواند!

از ازل تا ابد خیال تو در سر دارد!

چه نداشتن حقیری،

چه مقیاس پوچی،

شعاع پولادین تفاوت‌ها

درون سینه صدها آرزو را به کوچ رسانید.

This lifeless body that calls you

Thinks of you from the Creation to Eternity

What a lack of humility, What an absurd comparison

A Steel radius difference!

Hundreds of my wishes migrate into the chest

شاعر : زهرا حمیدیان

مترجم : محمود شیربازو

دم فرو بسته‌ام از فریادهایم

هراس دارم از عشق

از تو!

از فرو ریختن منیتم!

من در دیار رویای خویش

در پرواز بودم!

یک رنگ آشنا در حوالی بهمن ماه

آشکار شد!

احساسی که ریشه دوانده بود

مطلقا عاشق اما در فاصله و ترس!

I have concealed my screams!

I'm afraid of loving again

I'm scared of losing my selfishness !

In flight I was in the lands of my dreams!

A familiar color around Februry appeared to me !

A sense that had taken root

Absolutely in love from the distance of fear!

شاعر : معصومه خدا بنده

مترجم : محمود شیربازو

بیگانه ای هستم

یخ زده بر زمستان

قصیده ی خیالت

جوانه میزند

بر شاخسار خشکیده ام

I am a foreigner

Frozen in the winter

The Ode of my Imagination

Sprouts on my dried branches

شاعر : فاطمه انصاری

مترجم : محمود شیربازو

در چشمانم صدای پای باران می آید

به گمانم خورشید هم

از این جسارت

دلگیر شده

گونه هایم شبیه سیب حوا گنااهش را اقرار می کند در برابر بغض باد

نمیدانم شاید امشب ماه هم در روبروی من به خسوف بنشیند

به گمانم قمر در عقرب است !

The sound of rain reciprocates in my eyes

I think the sun is also upset with this audacity

My cheeks, like the apple of Eve,

confess their guilt against the gust of wind!

Perhaps, there will be a lunar eclipse tonight!

شاعر : مهرداد پیرامون

مترجم : محمود شیربازو

در انحنای افکار ارغوانیم

درون باغ رز پرسیه می زنم

رو در روی باد،

آبشار خیالم را

تار، تار شانه می زنم

باد اما می رقصد با دف سماع

و عطر خیالش،

گل آویز به چشمه های جالیز باغ،

من با رقص باد، در رؤیای او،

چنگ می زنم،

روسری اش

پُر از رنگِ یاقوت‌های تاک

بال بال می زند بالای سرم !!

بعد از عبور باد

کنارِ باغ

لب بر لبانِ دخترانِ رَز

خودم را به خواب میزنم !

The Scarf's in the arc of purple Thoughts

I am roaming in the wine garden

Face to face with the wind

One by one combing

The waterfall of my imagination

But the wind is whirling the Sema dance

While clasped hands clap on Dafs

And the scent of her imagination

Decorates the garden with flowers

In sync with the the dancing wind

Dreaming of her I play the violin

Her scarf full of the colorful ruby wine

Flaps on top of my head

After the wind passes beside the garden

Ruby lips upon Ruby lips!

Kiss me a good night sleep!

شعر: احمد دريس

مترجم: محمود شیربازو

از دست تو بیفتم

خواهم شکست

از چشم تو بیفتم

شکست خواهم خورد...

If I fall from your hands

I will be broken

But if your opinion of me is bad

I will be beaten!!

شاعر : اسدالله اسدی

مترجم : محمود شیربازو

مگذار بماند تهی

خشب زبان از کلمه

با لبان تو

گرم می شود تارِ گلو

به لالِ آوردگاه

بگشای دهان دوخته را ،

در سهمی از

پوکه های فریاد .

Don't let language be empty of words

The vocal chords gets warm from your lips

If the deaf come

Open the closed mouth

To share your useless screams

شاعر : سیمین بابائی

بِهانه های این دل

بی تو ..

هر شب

یک اتفاق تکرار یست !

و

من ..

بیاد آخرین نگاهت ..

بر قلّه، شعر هایم می نشینم

نگاه کن

چه تلخ ..

تصویر رفتنت را مرور می کنم

و

یکبار دیگر ..

از ترس نبودنت

به چاه تنهائیم ..

سقوط میکنم

The excuses of my heart
Being without you
Repeats every night!
And in recalling your last look
I sit on the pinnacle of my poems
Look!
How I review the image of your departure
with deep bitterness and
once again the fear of your absence
Makes me fall into the well of loneliness

شاعر : فاطمه انصاری

مترجم : استاد محمود شیربازو

سکوتم بس درد ناک است

بغض مرا در خود می بلعد

به گمانم زبانم هم دارد لکنت می آموزد

این چشمان لعنتی هم بارانش بند نمی آید

باد در موهایم سر گردان است

پاهایم مرا پس می کشد

دست‌هایم چرا از هم باز نمی شوند.

دمای قلبم رو به انجماد است

عجب حال خرابی !!

My silence is very painful!

It devours my hatred

It seems my language is learning to stutter!

These damn eyes don't stop crying!

The wind is blowing in my hair

My legs are pulling me back

Why my clasped hands won't open?

My heart's temperature is freezing

Wow, no wonder I am so unwell!!

شاعر : عیسی سجادی

مترجم : محمود شیربازو

آویزه های اشکم

با هزار رشته روشن

گونه هایم را

زینت می بخشد

وقتی به یاد تو

غراده اندوه را

سر می کشم

آه تنهایی

می ترسم

که تنهایم بگذاری

The pendants of my tears with a thousand bright strings

That adorn my cheeks

When you are in my thoughts

I start downing the biggest jar of sorrow

I'm afraid of loneliness!!

Never leave me alone!!

شاعر : علي رضا پور اميد

مترجم : محمود شيربازو

طعم گس بوسه های ناقص

تا صبح به کام تلخ جان بود

The astringent taste of unfinished kisses

My soul was bitter until the next morning

شیرین تر از آن گزیدن لب

حسی ز زبانت به زبان بود

Sweeter than the biting of your lips

The sense of your tongue with my tongue

می خواستم از تنت گریزم

پای تو همیشه در میان بود

I wanted to run away from you

Your memory was always between us

از کنج لبِت کمی به جان ریخت

آبی که مرا شیرء جان بود

Drops of your lips dripped down my Soul

That lovely drop was the Water of my Soul

نوری که ز چشمت به دل آویخت

شوری که ز چشمه ات روان بود

A light that shined from your eyes on my heart

The passion of your spring was flowing in me

شش شاعر و یک مترجم :

1شاعر : فاطمه جعفری

مترجم : محمود شیربازو

دهان باز کرد

شعر شد

مردی که پاییز را

باور نداشت

مردی که بهار از قلبش می بارید

ما دو باغبان مست شدیم

دو باغبان منزوی

که ایمان داشتیم

با هر طوفانی که به پا می کنیم

می توانیم با شعرهای زیادی

روی گونه های یکدیگر

باران بکاریم ...

Whatever he has spoken

Has turned into poems!!

A man who didn't believe in autumn

And his heart rained like spring!!

We both became aloof drunken Gardners

We believed that by creating storms

We can sow rains of poems on our cheeks

2شاعر: زهرا اسماعیلی

مترجم: محمود شیربازو

یاد من، یاد تو

یاد تو خارج از اراده ی من است

و یاد من محالِ تو

نام من در دورترین نقطه ی دلت

و تلخی این داغ بر دلم

که تو را تجربه نمی کنم

فقط احساس می کنم تو را

Your memory is out of my free-will

Remembering me is far from your mind

My name is in the farthest corner of your heart!

And the bitterness of this sadness is deep in my heart

Too bad that I don't experience you!

And I just feel for you

3شاعر: سوفیا جمالی

مترجم: محمود شیربازو

پرواز آرزوهایم را

قاصدک ها

از یاد برده اند

دیگر

اعتمادی به باد نیست...

The dandelions had forgotten

The flight of my dreams

We can't trust in wind anymore....

4شاعر: مصطفی ممبینی

مترجم : محمود شیربازو

گورکن ها

به چه فکر می کنند

وقتی مرگ

مرگ تازه ای می آو

The gravediggers

What are they thinking?

When Death brings new corpses

5شاعر: منصور چراغی

مترجم: محمود شیربازو

زیر و رو کنید علم نجوم را

مگر می شود؟

یک، ماه در آسمان باشد

و یک ماه در کوچه ی ما !!

Is it possible to reverse Astronomy?

One, the moon is in the sky

And another month is in our alley!

6شاعر: مرضیه نورالوندی

مترجم: محمود شیربازو

چه کسی می داند

شاید رودها

اشک های قله ای باشند

که سخت

دل تنگ دریاست

Who knows?

Maybe rivers are the tears of mountaintops

That miss the sea way too much

شاعر : محبوبه کریمی

مترجم : محمود شیربازو

در جهانی که

تار می بندند دست هایت

و تار می بینند چشم هایت
دیوارها سیاه تر از شب اند
روزنه ها راهی به سلولها نمیابند
چقدر زیبا میشود
همه چیز به چشمت
وقتی که نگاهت را
حبس میکنی
در پشت پلک هایت

In a world where

Your hands are tied

And your eyes are blurry

Where walls are darker than night

And pores are closed to the cells

How beautiful it would be

If when you shut your eyes

Everything appeared behind your eyelids

شاعر : احمد دريس

مترجم : محمود شيربازو

آخرين بارى كه

مجبور شدم زندگى كنم

عاشق بودم

*آخر مره

اجبرت ان اعيش

كنت احب !*

Last time

When I had to live

I fell in love

* * *

لبخند را

لبخند را يادم رفته بود

ديروز عكاس آنرا به من يادآوری كرد!

To smile

I forgot how to smile!!

But yesterday the photographer reminded me!!

شاعر : اکبر نصرتی

مترجم : محمود شیربازو

با من تا آنسوی مرزها بیا

بیا پرواز کنیم

همچون پرندگان مهاجر

به سر زمینی که در آن

گره کور عشق مان را بگشاید

و اندوه را

به شادی بدل کنیم

و عاشقانه نفس بکشیم

Be with me beyond any borders

Let's fly together

Like migratory birds

Fly to a land

To enable us to open

the blind knot of our love

And exchange sadness for happiness

to be able breath easy and romantically

شاعر : قاسم بغلانی

مترجم : محمود شیربازو

گل‌های روئیده بر تنت

باز که میشوند

مثل لبانت

باید زن باشد زمین

به فصل جفتگیری گیاهان

مثل لبانت که باز میشوند

گل که میشوند!

When the flowers sprout out of your body

Like your lips the earth must be a women

for the mating season of the plants

Just like your lovely two lips

When they open they blossom

شاعر : سعید اکبر نیا

مترجم : محمود شیربازو

همه از تو حرف می زنند

در گوشم

تو از من حرف بزنی بلند بلند

تا با من حرف بزنی بلند بلند

نفس هایم را رسوا کن

بگذار به دوند بسوی تو

این حبسیه ها

Everybody whispers about you

In my ear loudly tell me something

For others to speak of me proudly

By disgracing my breath

Let these prisoners run to you

شاعر : مریم گمار

مترجم : محمود شیربازو

شاعر نمی شدم من

اگر به کلماتم

ایمان نمی آوردی

و از من پیامبری عاشق

I wouldn't have become a poet
Or a messenger of love
If you wouldn't believe my words

شاعر : صمد نجفی

مترجم : محمود شیربازو

چه بگویم

که دو باره بخندی؟

گویا!

فراموش کرده ای

روح من

پژواک لبخند تو است

حق را

از زمانی که

گرفتنی شد،

خوردند

What should I say

To hear you laugh again?

Perhaps!

You forgot

that my soul is

The echo of your smile

Our rights

When legally obtainable,

Have become violated

شاعر : الهه وفادار شوشتری

مترجم : محمود شیربازو

تو صیادی برایم دانه بگذار

Oh, my lovely hunter put your seeds in my trap

دلی عاشق دلی دیوانه بگذار

A lovely heart has become crazy and mad

سبوی آرزویم را شکستم

I broke the wine glass of my dreams

برای گریه هایم شانه بگذار

Let me have your shoulders for my tears

شاعر : ندا عبداللهی

مترجم : محمود شیربازو

همیشه دلم می خواست

بیشتر از یک خیابان باشم زیر قدمهایت

I always wanted to be more than one street beneath your steps

بیشتر از قطره های باران به روی موهات

More than the raindrops upon your hairs

بیشتر از یک خواب در چشمانت

More than a dream in your eyes

و بیشتر از دوستت دارم بر لبانت

And more than the taste of love on your lips

من نزدیکتر به تو ایستاده ام

Now I stand closer to you

نزدیکتر به تو نفس می کشم

My breath is closer than you

و چه سرد است این فاصله

And how cold is this distance

ما چه دور به هم نزدیکیم.

we are far apart but so close to each other

شاعر : جواد خلیق معینی

مترجم : محمود شیربازو

ترکیب بلا با غضب از چیست بگو

What's the combination of disaster and wrath, tell me

تقصیر همین وضع کنون کیست بگو

Who is to blame for this situation now, tell me

رنگ از رخ این شهر پریده است ببین

See how faded became the color of this city

یک راه برون رفت از آن نیست بگو

What is the way out of this situation, tell me

شاعر : الهام تدین

مترجم : محمود شیربازو

تندر عشق به خاکم افتاد

The thunder of love fell down on my soil

در حسرت رویت

عمرم رفت بر باد

In missing you I have lost my life

The companion of love without the lover is in strife

می نویسم تا بماند به یاد

عشق سوزاند تنم را

I'm writing not to forget how your love burnt me

خاکسترش نشست بر گیسوانم

And its ashes have blown on my hair

سهمم از زندگی رو

سرنوشت یادم داد

My destiny has taught me

How to share my fate with life

شاعر سیروس نکایی

مترجم: محمود شیربازو

من از پایان جهان می آیم

با حرفهای تازه

که پایان ندارد

ای عبور سبز

لحظهء با من باش

می دانم

چراغ رابطه ما

همچنان قرمز است

I have come from

the end of the world!

With new words

That have no end...

O the green pastures!

Be with me just for a moment

I know the light of our relationship is still fiery red

شاعر : محبوبه کریمی

مترجم : محمود شیربازو

A

آن شب که پلک هایش به من بوسه می زدند

That night kissed me with its eyelids

زیر لب ترانه ای را زمزمه می کرد

He hummed a song under his lips

که من شاعرش نبودم

But they weren't mine those lyrics

شاعر : حسین فیض الہی (کاشف شوشتری)

مترجم : محمود شیربازو

رخسار مہوش را خواہم نظارہ کردن

I would like to watch the scenery of your moon face

اھلا بک حبیبی لو جئت فی منامی

My honey; I will welcome you kindly into my dreams

شاعر : حسین فیض الہی

مترجم : محمود شیربازو

خوش بیا تا گیرمت در جان و رنجم گویمت

خوش بیا تا قدر یکدیگر بدانیم دیر نیست

Come affectionately into my soul's embrace

To appreciate one another it's not too late

شاعر : حسین دلجوئی

مترجم : محمود شیربازو

پیراهن نگاه مرا ،

از پشت مکش ...

که برمیگردم و..

بی خیال عزیزهای مصر و

یعقوبهای چشم انتظار...

چنان‌ت در آغوش میکشم ،

که هفتاد و هفت سال تمام

باران ببارد و

گندم درو کنیم...

Do not pull back

The shirt of my glance!

I will return to you and

I won't care about the Egyptian Potiphar or the waiting Jacob

I will hug you so warmly and tenderly

That we'll have rain for seventy-seven years

And we shall be able to reap the wheat..

شاعر: حلما طریقت (۶ساله)

مترجم: محمود شیربازو

ادامه بده مرا

تا حبسم نکند این پاهااا

Keep me going stronger

So that my legs keep up longer!!

شاعر : آرام قربانی (شهنواز)

مترجم : محمود شیربازو

دنبال زنی می گردم

با پیراهن بلند و پاییزی اش

I'm looking for a woman

With her long autumn shirt

اندوه را از چهره بادبزدايد

اشکهای آسمان را پاک کند...

Blowing away grief from my face

While wiping the tears of the sky...

پای برهنه روی برگهای خشك جنگل وحشت به دل شب بیاندازد..

Barefoot on the dry leaves of the forest to scare the night..

صدای خلخالش چهار فصل را

برقصاند

The sound of her anklet dancing like the four seasons

همهمه ب جان باغ بیاندازد

مرغان غمگین را ب ضیافت

Let the spirit of the garden buzz

Sad birds are invited to the feast of love

مردانه جلوی طوفان بایستد

زمستان را از درگاه خانه ات براند

So, stand firmly in front of the storm

From your house take away the winter's cold

بهار را در دامن ات سبز کند

Make spring turn green in your skirt

دنبال زنی می گردم

غمش پیاله ام را پر کند

I'm looking for a woman to fill my cup with sorrow

مستی اش را سر بکشم..

And then to imbibe her very drunkenness

شهامت اش چهره ی خورشید

را زرد کند

Her courage changes the sun's countenance

زلف ستاره گان را ب رنگ

شراب در بیاورد

Painting the stars tresses purple

می دانی طفره می روم

شرم می کنم

I am escaping the shame that you know too well!

نمی دانم چگونه بگویم

دنبال خودم می گردم.....

I don't know how to say that I'm following myself

شاعر : بهیجة مصریادلبی از سوریه

مترجم : محمود شیربازو از ایران _ شوشتر

أنا امرأةٌ

تقولُ الذي لا يقالُ

إذا ضحكْتُ

ينادي عليها من البحرِ موجٌ

فترحلُ عن شاطئيه الرمالُ

زنی هستم

که از ناگفته ها سخن می گوید

آنگاه که می خندد

موج دریا به آغوشش می کشاند

و شن ها از ساحلش گریزان کوچ می کنند

I am a woman that is bold

Who reveals secrets untold

If I laugh the waves call her to the sea

and the sands migrate from her beach

شاعر : حسین فیض الہی (کاشف شوشتری)

مترجم : محمود شیربازو

A در حباب زندگانی عاقبت

کاخ های آرزو گردد خراب

And finally in the bubble of life

The palaces of wishes burst!!

B نشان صدق و محبت به خال هندو نیست

سری به نیزه به راهش نشانه می سازم

The sign of sincerity and kindness isn't the Hindu mole

I will hang my head on the spear for his love's goal

C بلبل به بطرف بستان از سوز دل غزل خوان

خار جفای گل را بر سینه می ستودی!

The compassionate singing nightingale in the flower garden

Admired the oppression of a flower's thorn in her heart!

شاعر : ثریا شجاعی اصل

مترجم : محمود شیربازو

برای نقاشی چشمانت

For painting your lovely eyes

یک نگاه کم است

My sight is not enough

هر چشمت تابلویی است

Each of your eyes is a portrait

خدایی می کنم در آن

And I am the Goddess of them

کفرش هم بماند پای من

I shall be to blame for this blasphemy!!

شاعر : مینا یار علی زاده

مترجم : محمود شیربازو

پنجره

سکوت دیوار را

شکست

باران گرفت

حرف ها در گلو

انباشته داشت

باد آمد و

دهان دیوار را

بست

The window broke the silence of the wall

And it started heavily raining

So many words were waiting to be said

But suddenly the wind blew shut the mouth of the wall.

شاعر : نجمه منصوری

مترجم : محمود شیربازو

آغوشت را برایم باز کن

مرا با جان دل ببوس!

وقتی به تو فکر می کنم

صورتم رو دوست دارم

لبانت باید چشمانم را می بوسید

همین حالا ، حال مرا خوب کن

به دست هایم شک نکن

به عاشقانه هایی که کشیدم روی پوست تنت

خودم را هیچ یادم نیست

تو را به تمامی به یاد دارم

Open your arms to me

Kiss me deeply with all of your heart

When I think of you

I really like how I look

Your lips should've kissed my eyes!

Now, please make me feel well

Don't doubt my hands

About romantic touches on your skin

I don't even remember myself

But I remember you very well

Please take good care of me!

شاعر: احمد ادريس

مترجم : محمود شيربازو

اطول من الليل

هوا التفكير

بك انت

از شب بلند تر

فكر کردن

به توست

Longer than the night

Are my thoughts of you...

از اندوهایم

با وفا تر ندیده ام

لم أرى

أوفى من احزاني

I have never seen anything
more faithful than my sorrows

شاعر: غادة السمان 1942- سوريه

مترجم : محمود شيربازو

و كنت أعرف منذ البداية،

أنني وجدتكَ لأضيعكَ،

و أحببتكَ لأفقدكَ،

فقد التقينا مصادفة

And I knew from the beginning

That I found you to lose you

And loved you to miss you!

Because we met by coincidence!

و آگاه بودم از اول

که تو را یافتم تا از دست بدهم
و عاشقت گشتم تا دلتنگ و رهایم کنی
چرا که بخت یار ما نبود !

شاعر : معصومه ارتش رضائی

مترجم: امیر علی سیاسی

من از گریه باغ باران زده
به غربت چشمان تو رسیدم
در شب شکفتم و
روزی هزار بار فریاد زدم
آفتاب را نفرین کردم و
به مصیبت رسیدم

*

اینک

بعد از روزگاری
با رنگ و نیرنگ فراموشی

تو را از ذهنِ مغشوش و

کابوس‌هایم زودهام و

به دنبالِ حسی گمشده

در رویاهایم می‌گردم

*

دستهایم ناامید است

اما چشمانم

رُل بازی می‌کنند

دلم می‌سوزد؛

هر شب از ملال انتظار

می‌نالم و

ناامیدی پینه می‌بندد

لابه‌لای انگشتانم و

همواره شعرهایم

در عمقِ تخیل

به تحلیل می‌رود

I came from crying in the rainy garden to the loneliness of your eyes

I blossomed at night and screamed a thousand times a day

I cursed the sun and got into trouble

Now, after a long time, I forget you from my confused mind and
nightmares

And I am looking for a lost feeling in my dreams

My hands are hopeless but my eyes are playing a role

My heart is burning I moan every night from the boredom of waiting

And despair forms calluses on the side of my fingers

And my poems always dissolve in the depth of imagination

شاعر : رویا ابراهیمی

مترجم : محمود شیربازو

چه دل آشوبه ی زیباست

پرواز کردن در خیال چشمانت
ماءوا گزیدن در جزیره مردمک چشمت
آری دیدن هر روزه ی آن سیه چشمان
دل شوره ی رفتنت را
در وجودم زنده می کن
به بالهایم پر پرواز می دهد
آه ای محبوبم
کاش پای نگاهم
در دام چشمان جادوئیت نمی افتاد
و چنین دلبندت نمی شدم

How beautiful is my worried heart!
Flying in the imagination of your sight!
Settling in the island of your lovely pupil's eye
Yes, every day when I look at your black eyes
It increases my weariness of your plight
And it extends the wings of my flight

Oh, my beloved I wish my feet's strides

Wouldn't have been trapped in your magic eyes!

شاعر : معصومه‌آرتشرضایی

مترجم : محمود شیربازو

جهانی که تو نباشی

فریب نمی‌دهد مرا

اینک!

من به فکر تجزیه تنم افتادم

تحویل بگیر

روان و پریشان و

کالبد بیمار را

سالم است بدون قلب

در آغوش ابلیس آرمیده‌ام.

In a world where you are not

It does not deceive me!

Now! I'm thinking of my body's death

Come and receive me

my sick tired body

and my mental disorder

Heartlessly resting in the arms of the devil.

شاعر : زینب عمادی

مترجم : محمود شیربازو

تنگ ترین آبادی جهان

فشردن دست هایت است

از آن حس هایست

که در فطرت آدمی است

مانند اولین باران بهاری

نغمه‌ی گنجشکان اول صبح...

آن حسی که نمی‌دانی

با کدام زبان توصیفش کنی

مانند همان چشم هایت

که زمین و آسمان را

سردرگم می کند

The narrowest freedom of life

Feeling and holding your hand tightly

Of those feelings that are in human nature

Like the first spring rain

The song of the sparrows first thing in the morning...

An amazing feeling that can't be described!

alike your very lovely eyes

which astonish the earth and sky

شاعر : معصومه _خدابنده

مترجم : محمود شیربازو

واژه‌های لال

سرازیر از لبم

بر شانه‌هایت نشسته‌اند

و چشمان گریانم

با پیراهنت

سخن را خیس گفته‌اند

این قصه

سر دراز دارد

Dumb words

Fell upon my lips

And sat on your shoulders
And my weeping tearful eyes
started talking with your wet shirt
This is a long story my friend

شاعر و مترجم : محمود شیربازو

می بخشم

تمامی کسانی که

مرا آزرده و رنجاندند

بر من شیرینی بخشش

بر آنان

تلخی شرم !!

I forgive all who've offended me

For me the sweetness of mercy

For them the bitterness of pity!

متن و ترجمه : محمود شیربازو

اگر دیوار اعتماد فرو ریزد

هیچ معماری از پس ساخت آن بر نمی آید

If the wall of trust collapses

No architecture can re-build it

شاعر و مترجم : محمود شیربازو

کندوی دلم

لبریز از تلخی دلتنگی هاست

ذره ای از قنندت را

به آدرس : عالم

پست کن

عسل می شوم

The beehive of my heart

Is full of bitterness and gloom

Mail me some of your sweetness

I promise I will be like your honey

شاعر و ترجمه : محمود شیربازو

دیر گاهی است که رفته ای

چشمهایم بدنبال سیاره ی نگاه

توست

بر کمان ابرویت

تیری از باغ مژگانانت بنشان

رها کن رها کردن

بسوی باغ خشکیده ی تنهائیم

I have'nt seen you for a long time
Looking for the planet of your gaze, are my eyes
Shoot an arrow out of the arch of your eyebrow
throw it toward my desolate and lonely garden
Then I will become forever green!

شاعر و مترجم : محمود شیربازو

شاعر : محمود شیربازو

ای ناز و سانا از من

ای مهلا می مهنا از من

خبرت هست که یکی

در پی تو

بار بدوش

باد بسوی

افتان و خیزان

دوان است ؟

خبرت هست که یکی

تو را از چشم ستاره چیده

که یکی از هجر فراق

سر به جنون کشیده ؟

خبرت هست

که یکی از داغ وداع

پتک به قلب

دشنه به رگ

سر و جان

به خاک و خون

می کوبد ؟

O my sweetheart

O my sweet beloved

Did you know that

Someone with a heavy burden

Facing strong gusts of winds

is running toward you?

Did you know that

Someone picked you from a star's eyes

That one's leaving has made him crazy ?

Did you know that

Someone because of losing you

Has been stabbed in the vein

With a dagger to the heart

Head and soul mixes with dirt and blood

شعر و ترجمه : محمود شیربازو

دیشب

که خیالت خوابم را ربود

جای تو

دریا را در آغوشم دیدم

چشم به ابر همی گفت

تو دیگر مبار....

Last night awoken by your dreams

instead of you, in my arms, was the sea

The eyes were whispering to the clouds

Don't rain down any more on the ground...

شاعر : شیما ادیبی سده

مترجم : محمود شیربازو

گوش به گوش

در انتظار لبان تو بودم

حرفایت

گوشهایم را

به راه می انداخت

و واژه ها

درسرخى انارلبانت

ناب ميشدند

من به سوت چشمانت ايمان دارم

بگذار شاعرانه

براى لبانت پلك بزنم

I was waiting for your lips from ear to ear

Your words were giving life to my ears

And the words were pure in your lovely red lips

I believe in the whistles of your eyes

Let me poetically blink for your lips, alright

شاعر : رضا بهزادی

مترجم : محمود شیربازو

هر روز به برگ بار خود می‌بالد

با عشق به این تبار خود می‌بالد

فیروزه‌ی بی بدیل ایرانی هست

شهری که به اعتبار خود می‌بالد

کرمان که به شهر بابکش مشهور است

از این همه آثار غنی مسرور است

بی شائبه گلچینِ مصور دارد

خورشید جهان ز روی او پر نور است

Every day he is proud of his work

He prides himself on his ancestors with love

It is an irreplaceable Iranian turquoise

A city that prides itself on its credibility

Kerman province is famous because of Babak city

is so delighted with all of Babak's precious works

Has an incomparable illustrated anthology

The Sunlight's a reflection of its brightness

شاعر: محمد کریم ۛ جوہری

مترجم: محمود شیربازو

مادر

ستارہ، کوه، دریا

مادر

امید، بہشت

فردا تو را می خوانم
و نگاهت را می خواهم
ای زن
برای دیدن خدا...

Mother

Star, mountain, sea!

Mother

Hope, heaven!

I will call you tomorrow

And I want your attention

O woman to see God's creation

شاعر: نسرين محمدی

مترجم: محمود شیربازو

به شمیم شعر هایت

هوش از سرم رفت!

توان دور شدن هایت را ندارم

Because of the fragrance of your poems!

I've lost my consciousness

I cannot be away from you

Come to the nearest window!

شاعر : فتح الله گودرزی

مترجم : محمود شیربازو

دردناکتر از نگفتن

دوستت دارم به یک زن

پک های محکم یک مرد است

به ته سیگارهای تلخ

More painful than not expressing your feelings to a lady

Is smoking a strong cigarette on a road that's very lonely

شاعر : فتح الله گودرزی

مترجم : محمود شیربازو

از این چله

هر شب یک دقیقه

بیشتر دوستت دارم

و تو یک عمر

I love you more with every second of every minute

But you are farther away from me than ever before!

شاعر : فتح الله گودرزی

مترجم : محمود شیربازو

قهوه تلخ عصرگاهی که هیچ

من هنوز

عطر تندمردانه میزنم بیادتو

وتو هنوز

ناز بدخیم زنانه میکنی

برای دیگری !!!

The bitter coffee in the afternoon

I still use a strong cologne just for you

But you're still caressing other dudes!!

شاعر و مترجم : محمود شیربازو

به تو می بالم

بسان باله ے ماھے

کہ بر بر کہ شوق

نقش تو را می نگارد

به تو می بالم

بسان بال آن سپید قو

کہ در کنار یکتا جفتش

کمان عشق را می آفریند

به تو می بالم

بسان بیقرارے پر پلکانم

کہ ہر تیرہ شب

در ہوائے وصلت

در پرواز است

به تو می بالم

بسان بوسہ اے کال

کہ در کویر لبانم

سرد و سراب گشتہ !

به تو می بالم

بسان بالہائے شکستہ ام

کہ در دام شاخہ ها

بے مأوا و بے آسمان ماندہ....

بہ تو مے بالم

بہ تو مے بالم

I praise you like the fin of a fish

That writes your image on the pond of passion

I am proud of you

Like the wings of a white swan

That creates the bow of love next to its only mate

I boast of you like my stair-stepped restlessness

That flies in the air of connection every dark night

I am proud of you like an unripe kiss

That has turned cold like a mirage in the desert

I praise you like my broken wings,

which are trapped in the branches without a roof and sky

I praise you, I praise you

شاعر : عبدالواحد بنی سعید (وحید)

مترجم : محمود شیربازو

"عبور"

قطارِ عمر

روی ریلِ ذهن

و درنگی در ایستگاهِ خیال

خاطره‌ای

پیاده می‌شود

با خنده‌ی اشک‌هایش

سخت در آغوشم می‌کشد

انگار

برگشته از مُردن

اینک

با دودی سُربی

می‌گذرد زمان

"Passing" is the train of life

On the rails of the mind

and a delay in the station of imagination

A memory comes out, she hugs me with her tears laughing

It like he has been resurrected from the dead

Now the time passes with smoke of lead

شاعر : عیسی سجادی

مترجم : محمود شیربازو

انبار همتم پُر است از

پرهای مُرغان خوش خوان

که در آرزوی پرواز

صید شدند

آه...دانه های خیس خورده

نفرین بر شما

که ابزار صیاد شده اید

The warehouse of my effort is full of the feathers of lovely singing
birds!

Which were caught in the desire to fly!

Ah

Curse on the soaked seeds which have been spread as a trap to hunt them!!

شاعر : نسرين محمدی

در جنگل ساکت و غم زده

با باران نگاهت بیاشوبم

تا شاید شاخه‌ی خشکیده

در انتظار بهار

شوق رُستن

داشته باشد

مترجم : محمود شیربازو

In the sad and silent forest
I will look at you with the rain
So that maybe the dry branch
Will grow in anticipation of spring

شاعر: نسرین محمدی

مترجم: استاد محمود شیربازو

در همهمه‌ی پاییز

هیچ برگ‌گی

رازش را نگه نداشت

وقتی تکرار

صحنه‌ی باران

اکران شد

بر پرده‌ی چشمانت

In the hustle and bustle of autumn

No leaf kept its secret when the repetition
Of the rainy scene was screened on your eyes

شاعر رویاسامانی
مترجم محمود_شیربازو

بهار...
عاشق باران بود
تا خدا دستهایش را می شست
رنگ به رنگ پیراهن عوض می کرد

Spring loved the rain until God washed your hands
And changed the color of your shirt

شاعر : رویا سامانی

مترجم : محمود شیربازو

اگر می دانستم

بال پروازت

به بلندای ابرها رسیده

If I knew that your wings of your flight

Have reached the clouds height

اگر می دانستم

خورشید برای دیدارت

سرخ می پوشد

If I only knew

The sun would wear red to meet you

پیراهن ستاره را تنم می کردم

تا از دشت شب

هلال ماه را بچینم

I used to wear the shirt of a star to pick the crescent moon from the
plains of the night

ای دورتر از دورها

تا آسمان هفتم

با من می پری؟

Will you come fly with me

From far away to the seventh heaven?

شاعر: شیرین بنیادیان
مترجم: محمود شیربازو

جوانه های هنوز نرسته بوسه ات
ورم کرده بر تن درخت پیر
بتکان برف های شاخه را
شاید شکوفه دهد عشق
در دل زمستانی ات

Unripe buds of your kiss has swelled on the body of an old tree
Shake the snow on the branches maybe the love in your winter heart
will bloom

شاعر : شیرین بنیادیان

مترجم : محمود شیربازو

عشق چیست؟

جز حواس من

که به تو پرت شد

What is love?

Except my attention

That was distracted by you

عشق فنجان

چایی است نخورده

که در گرگ و میش

چشم هایت

Love is an undrunk cup of tea
that got cold in the twilight of your bitter eyes

دریاکنار لب های تو

و دنیای من

که به قصه غصه دار

هجر تو

شب شد

On the shore of your lips and my world
Which became the sad story of your migration at night

شب و تب و

شام شوره زار اشک هایم

هیس!

My tears are dry at night
Fevory and salty in the evening

Hush, be silent!

دیوانه ای مست

در خاطراتی دور

غرق شد

A drunken maniac drowned in distant memories

قرص های سبز و سفیدم

خوش راه فراری است

بین رسیدن و مرگ

My green and white pills are an escape route between arrival and death

دیوانگی

اختیار این زن شد!

!madness is the choice of this woman

شاعر : شیرین بنیادیان

مترجم : محمود شیربازو

آب میشد

قند بوسه ات بر لب

سیب سرخی

گاز باید زد

The sweetness of your kiss

Was melting on my lips

Now I should bite

a red apple instead

شاعر ر : مینا موسوی

مترجم : محمود شیربازو

زندگی باختن و بردن بی انکار است

عشق و عاشق دارد

صحبت یار به خاطر دارد

زندگی ابهام است

کوک خارج شده ی یک ساز است

باید آن را برداشت

ساز را کوکی کرد

شور و شوقی به دلی راه انداخت

زندگی ای مردم ، آدمها

دیده ها بگشایید الان است

مردن در آن است

زندگی ای مردم ، آدمها

دیده ها بگشایید الان است !...

life is undeniably wining and losing

It has love and its lovers

It recalls the words of the Beloved

That life is ambiguity

It is an untuned musical instrument

It must be picked up and tuned

To create passion in the heart

Oh people

Life is just the present moment

Open your eyes and watch it now

Become selflessly non-existent in it

Oh people

Life is just the present moment

Open your eyes and watch it now

شاعر : حسن رسولی

مترجم : محمود شیر بازو

نقش بباز نقاشم

یاد بده نقش مرا به کودکانم

جانم نفس بکش در " من " ...

*

لحظهای از سامورایی

با من است

که دلم را ساطوری میکند.

*

بی سرو و بی پای و بی دستم چنان

دست خدای دستم

قلب خدای قلبم.

*

آخرین سامورایی عشق

Oh my painter play your own role

And show it to my kids

My soul please breathe me in

*

A moment from a Samurai

Is within me

That makes my heart melt

*

Now I'm headless, legless, and armless ,

So, the hand of God is my hand

The heart of God is my heart.

*

In this moment of harakiri (suicide)!

I am the last Samurai in love alright!

شاعر : مرجان یوسفی

مترجم : محمود شیربازو

بگذار زندگی

ساز مخالفش را بزند

من ساز دلم

با تو کوک کوک است

بی خیال گذر ثانیه ها

بیا آنقدر با من برقص

تا از من و تو

تنها نسیمی عاشقانه

به جای بماند

Let life plays its opposite untuned music

I have tuned my heart for you very well

Let the second's pass without resisting

Come and dance with me until

You and I are only the romantic breeze

شاعر : حسن رسولی

مترجم : محمود شیربازو

گر به بی‌حیا شکافته سینه‌ی کبوتر را

مرگ به بازی‌ست

شکسته بال دلش را...

*

می‌وزد باد

می‌لرزد برگ

مرگ می‌افتد بر درخت.

*

چه خریدارانی دارد فحش

چه آن که می‌دهد، می‌خورد، می‌شنود

چه آن که با خود می‌برد خارج از کشور.

*

آب، تشنه لب

لب، تشنه تو

تو لب دشنه‌ام، کلام.

The cruel cat split the pigeon's chest

Death is a game that broke the wings of its heart

The wind blows the leaf of death falls on the tree

What a big market have insulting words

No matter who says, receive or hear it!

Or who to convey it to abroad!

My lips are thirsty for water

My lips are thirsty for words

شاعر : سمیرا بیدریغ

مترجم : محمود شیربازو

بگذار مرگ با ما بازی کند

زندگی را

بشورد و ببرد

هیچ شبی

بی لالایی خورشید

نیست !

Let death play with us

It washes and erases life!

No night is without

The lullaby of the sun!

شاعر: فائزه_اکرمی

مترجم: محمود شیربازو

گنجشک حسرت

از شط اشک هایم آب می نوشد

تا روزی که برگردی

و گل دیدار را

به موهایم سنجاق بزنی

"Regret"

The sparrow of regret is

drinking water from the stream of my tears!

I am waiting till the day you return

and clip your gift of flower to my hair!

شاعر: فائزه_اکرمی

مترجم: محمود شیربازو

در گلویم گنجشکی ست

که در آخرین فریاد

صدایش بریده....

"The last scream"

There is a sparrow in my throat

It can't finish it's song

who cut his voice is cut off in the last scream...

شاعر :امیراله محمدی

مترجم : محمود شیربازو

کلک خیال

من نقاش نیستم

تا سیمای تو را ترسیم کنم

اگر بودم

با کلک خیال

خنده را

روی لبانت می کشیدم

Delusional

I am not a painter

To paint your lovely face

If I were I would have painted the smile on your lips by my
imagination

شاعر : اميراله محمدی

آخرین تیر

آخرین تیر نگاهت را

شلیک کن

تیری که از کمان ابروی تو برهد

بی تردید خطا نمی رود

Last arrow

throw the last arrow of your gaze

An arrow that comes out of the arch of your grace

Certainly, can't be aimed by mistake

شاعر : مجتبی دامی

شعر 1

در خیال بوسیدمش

جانم

به

لب

رسید

چه رسد به وصل

I kissed her in my dreams
My life has come to an end
But still I am deprived of her

*** **

شعر 2

روزه ی سکوتم شکست

روایت چشمانی که

بی اختیار از تو می سرود

The fasting of my silent treatment broke

The narrative of your eyes sings involuntarily from you

شعر 3

در نیمه های شب

در میدان بی انتهای خیالم

دنبال گمگشته ی احساسم

بخواب رفتم

لیک رویای دیدار

هنوز باقیست

In the middle of the night I went to sleep

In the endless field of my dreams

Searching for my lost of feelings

But the dream of meeting still remains

شاعر : مهدی زکی زاده

مترجم : محمود شیربازو

دوستت میدارم از جان بیشتر

از لب شادِ غزلخوان بیشتر

من کویری بی تو دل افسرده ام

تو سراپا شوقِ باران بیشتر

خاطر مردی خزان آشفته شد

از زنِ گیسو پریشان ، بیشتر

غرق رویای تو پیدا می شود

شادی غم کرده پنهان ، بیشتر

دوستت میدارم از باغ بهشت

و ز همه شرم گناهان بیشتر

بعدِ مرگم دوست می دارم تو را

از شکوه باغِ رضوان بیشتر

بالب خندان ببین درد مرا
تا کنم رو سوی درمان بیشتر

عشق آغاز لطیف زندگی ست
با توام تا خط پایان بیشتر
#مهدیزکیزاده

I love you more than my soul
More than the happy lips of the lyricist

I am a depressed without you in the desert
You are more excited for the blessed rains

A Man was disrupted by Autumn
Much more than a hairy woman

Drowning in your dream

More hidden than sadness

I love you more than the paradise garden

And more than all the shame of my sins

After my death I will love you more than

the splendor of Paradise's garden

See my pain with smiling lips

Towards more healing treatments

Love is the beginning of a gentle life

I am with you more to the finish line

شاعر : سارا بردبار

مترجم : محمود شیربازو

سردرگم دیدار تو هستم برگرد
مشتاق به تکرار تو هستم برگرد
گویند خودت دواى دردی ای عشق
عمریست که بیمار تو هستم برگرد

I'm a wanderer for your meeting, come back.

I'm eager to find you again, come back

Oh love , they said you are the true healing of my pain

for a long time I am a patient of your love, please

شاعر : سارا بردبار

مترجم : محمود شیربازو

بر ریش زمین و بر زمان می‌خندد

بر حادثه‌ی تلخ جهان می‌خندد

عمریست که آدم شده‌ی بازیچه‌ی عشق

تاریخ، به حرف این و آن می‌خندد

He laughs at the beard role of the earth and time

He laughs at the bitter incident of the world

For a long time the Atom is like a toy for the earth

History never laughs at everybody

شاعر : زنده یادنیما ادیبی سده

مترجم محمود شیربازو

شاید آمدنت شروع زندگی ام باشد

طلوع خورشید

شکوفه شدن برگ گل

رقص برگهای بهاری

آب بازی ماهی ها

و شاید ...

خفتن پری دریایی

بیداری ستاره ها

شاید آمدنت

طلوع عشق باشد و

مرگ همیشگی شب

و شاید مرگ

بی مهری آدم ها

من دوباره متولد شدم

از نو

از تو

از عشق

پرواز خواهم کرد

پرواز خواهم کرد

تا طلوع عشق

این بار غروبی

نخواهد بود

Perhaps your arrival maybe a beginning of my life

A new sunrise

When the petals blossom

The spring leaves dance

And the fishes play in the water

And maybe the mermaid sleeps

The awakening of the stars

Maybe your arrival will be

The sunrise of love

The everlasting death of night

And maybe unkindness death of people

I'm re-born, Im born again

From beginning

From you

From love

I will fly

I will fly

Until the sunrise

This time there'll be no sunset

شاعر : زهرا_رضازاده

مترجم : محمود شیربازو

#برهوت

برهوتی است دنیا

بی لمس نگاهت

Your nakedness is your bare nakedness

The world is without the touch of your gaze

شاعر : زهرا_رضازاده

مترجم : محمود شیربازو

#زخم

زخمی است

گنجشک دلم

از هجوم خاطرات

The sparrow of my heart is injured
by the influx of your memories

شاعر : زهرا_رضازاده

مترجم : محمود شیربازو

#غریق

غرق است

در اقیانوس نگاهت

کوه عشقم

Drowning

The mountain of my love

is drowned in the ocean of your gaze

شاعر : زهرا رضا زاده

مترجم : محمود شیربازو

زبانہ کشید

آتشی

در اجاق سینه

با جرقہ ای

از برق نگاہت

There was a fire in a spark of electricity in your gaze

شاعر: غلامرضا محبی

مترجم: امیر علی سیاسی

قول یار

باد سردی وزید
در دلم سرما دوید
آسمان جملگی
شبی سیاه
ظلمتی در چشمانم دوید
به یاد آوردم
قول یار را
پشت سر شهری
سراسر دروغ و فریب را
بر خودم لرزیدم
باد سرد یارم شد
... تنهایی یاورم شد

Partner's Promise

A cool breeze blew

My heart bleeding blue
The entire sky came into view
On a pitch black night, I knew
That darkness was passing too
I thought my partner's promise through
The city's lies and deceit, all i could do
Was shiver in the cool breeze to know this truth:
That genius grows out of solitude...

شاعر: امیر علی سیاسی

مترجم: امیر علی سیاسی

تولد

هر روز نو روزه
از تولید به مصرف آره
لذت کار بازی شد بله
مفید باش برای محیط البته
نشاط جلال هست علاقه
تصمیم پیروزی سودمند
از سهام تا اوراق قرضه
خرج دارد میراث داشتن
صدای قصه ی جامعه خواننده
فراتر از مرز روز و شب
فراتر از مرز خوب و بد
طرز تفکر منعکس جذابیت
هوشیاری همیشه الگو هست
احساسات بالا و پایین دارد
دنیا دو روزه و سکه هستی دو رو

Birthday!

Turned earthdays to birthdays
Earn rewards enjoy work play

Reap benefits of pursuing joy
Sow interest by exuding glory
Grow profits choosing victory
Young stocks to old bonds money
It costs to have a boss legacy
Songs respond to current stories
Beyond both night and day
Affection focused mind-state
Consciousness has the right to say
Feelings have the right to play
Really, I just got out that way
Being contains spaces of grace
Feelings attain states of fate
Speaking aims to gain praise

شاعر: بابک یوسف عصر

مترجم: امیر علی سیاسی

رستگاری

پی در پی دویدیم در این دنیا
تا بدست آوریم برکت و صفا
غافل از اینکه از ازل تا ابد
روح ما جاویدان بود و نامیرا
ای انسان تو همانی که می اندیشی
گم نکن ره صراط مستقیم را
خدا همه جا بوده و هست
تا توانی توکل کن به خدا
مسیر راه سالک سخت است و پرخطر
مبادا تو کنی اشتباه و خطا
مثل ماهی نرم باش و انعطاف پذیر
تا بررسی به دریای بیکران و بی همتا

Salvation

**In this world we continually strive
Not just to survive but to thrive
Yet from Genesis to Eternity
Our Soul's are in Eternity
We choose our frame of mind
Don't lose your straight path in life
Omnipresent is the Divine**

So, trust your Life's Guide

The seeker's journey is difficult

Don't mistake; forgive others faults

Practice patience become more flexible

Increase your capacity live your full potential

شاعر: زهراد اودی (داناک)

مترجم: امیر علی سیاسی

سایه افکند هراس ، در گلوگاهِ خیال
و تکیه مأمّن ناسور زمین
شاخه های سامان
ماه در پشت هیاهوی عبث سرگردان

اشک لغزید
و نگاهی خندید
گفتنی هاست چنان
..در دلِ قاصدکِ خسته ی راه

!! هیس
من می‌شنوم نجوایی
! در تلاطم، ناگاه
بر لبِ رهگذرِ باغستان
میتراود گویی شعر تری ؛

میرود قصه ی غم در پی آن

قاصدک گفت چنین در گوشم

عشق را بر تن خاکستر کن

جان فشان

.. سبز بمان

It casts a shadow of fear in the throat of the imagination

And emphasis on the earth's safety

The branches are disordered

The moon wanders behind the fuss of vanity

Tears dripped and a look of laughter is what can be said

In the heart of a road-weary dandelion

Hey, I hear a whisper in the turbulence of the gaze

On the lips of the passerby in the Garden, like a poem

The seasons are repeated, the story of sadness follows it

The dandelion said so in my ear

Put love on ashes, stay green

شاعر: مهناز صفری

مترجم: امیر علی سیاسی

خواب بهاران

تویی بیت الغزل معنای احساس
که هستی عشق را تفسیر و باور
به باغ شعر من همچون ستاره
تمام دلخوشی ها را تو یاور

برای فصل میلاد حضورت
مرا تا شوق آیینه سفر کن
بیا تا بگذریم از فصل حسرت
نترس ای مهربان با من خطر کن

تمام کوچه ها را غم گرفته
سکوتی رفته بر لبهای یاران
در این حال و هوای سرد و سنگی
بسازیم از غزل تصنیف باران

به رسم نو شدن از نو رسیدن
شکوفای کن دلم مایوس و خسته
تن احساس من خشکید و پژمرد
بزن باران به هر جا دل شکسته

نسیم آهسته گفت در گوش پیچک
که بی تابی دل تعبیر عشق است
به خواب رازقی مهتاب سر زد
شقایق داغ میدان دار عشق است

Spring sleep

Interpret and believe the meaning of the feeling of love that you are

To the garden of my poetry, like a star, you bring all the pleasures

For the season of your presence's birth, take me to the mirror's joy

Let's go through the season of regret don't fear take risks with me

All the streets are filled with sadness, and silence is on the lips of
friends

In this mood, let's make a cold and stony song from the ballad of rain

According to the tradition of renewal, make it bloom again,

My heart is disappointed and tired, my feeling body is dry and
withered

Raining everywhere is broken hearts

The breeze said softly in the ivy's ear that the impatience of the heart

Is the expression of love

The moonlight visited mystery's dream and it is a hot field of love